

نویسنده: ارمان محمودیان «Arman Mahmoudian» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-02-27» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**روسیه و ایران: دوستان هوای مطبوع ممکن
است از جنگ اوکراین جان سالم به در نبرند**

*Russia-Iran: Fair weather friends may not
survive Ukraine war*

**سقوط اسد و آتش بس احتمالی در اروپا احتمالاً به معنای تغییر در
پویایی خواهد بود.**

*Assad's downfall and a possible ceasefire in Europe will likely mean
a shift in dynamics*

دهه 2015 تا 2025 دوره مهمی در روابط روسیه و ایران بود

*The decade from 2015 to 2025 marked a pivotal period in Russo-
Iranian relations.*

در سپتامبر 2015، روسیه، ایران، سوریه و عراق یک شبکه اشتراک اطلاعات مشترک به نام RSII (اطلاعات مشترک روسیه، سوریه، ایران و عراق) را تأسیس کردند. چند روز بعد، ایران و روسیه که آخرین بار در قرن شانزدهم در کنار هم علیه عثمانی جنگیده بودند، به طور غیرمنتظره ای به یک لشکرکشی مشترک دست زدند. هدف آنها تقویت رژیم درگیر شده بشا ر اسد در جنگ داخلی سوریه بود.

این همکاری منجر به یک استراتژی نظامی غیر متعارف شد: نیروی هوایی روسیه بر آسمان تسلط یافت و عملیات بمباران گسترده ای را علیه شورشیان سوری انجام داد، در حالی که نیروهای ایرانی در زمین پیشروی کردند.

فراتر از میدان نبرد، روابط دوجانبه آنها در حوزه های مختلف گسترش یافت. روسیه سرانجام در سال 2016 سامانه دفاع موشکی اس-300 را که مدت ها با تاخیر مواجه شده بود به ایران تحویل داد و مسکو حتی نقش میانجی بین تهران و ریاض را در مذاکرات اوپک ایفا کرد. در نتیجه، عربستان سعودی از مشروط کردن کاهش تولید نفت خود به کاهش موازی ایران خودداری کرد.

با این حال، با وجود افزایش همکاری، تنش ها همچنان ادامه داشت. اختلاف نظر ها بر سر تقسیم قراردادهای بازسازی پس از جنگ در سوریه ظاهر شد، زیرا هر دو طرف برای سهم بیشتری از غنایم اقتصادی رقابت می کردند. ایران همچنین به دنبال تسلیحات پیشرفته از جمله جت های جنگنده Su-35 بود، اما روسیه بارها در نهایی کردن تجارت تسلیحات متوقف شد.

با این حال، این رابطه به تقویت ادامه داد. با این حال، در این مرحله، روسیه دست بالا را حفظ کرد، نیروی هوایی آن نقش تعیین کننده را در سوریه ایفا کرد و مسکو قدرت نظامی و اقتصادی مسلط باقی ماند.

این تعادل در سال 2022 با تهاجم تمام عیار روسیه به اوکراین شروع به تغییر کرد. این جنگ روابط ایران و روسیه را به شدت تغییر داد. با طولانی شدن درگیری، روسیه خود را به طور فزاینده ای منزوی، تحت فشار تحریم های بین المللی و از نظر نظامی برای یک جنگ طولانی ناآماده یافت. مسکو که از حمایت نظامی ناامید بود اما به دلیل محدودیت های تحمیلی غرب محدود شده بود، به تهران روی آورد. ایران که از قبل تحت تحریم های سنگین قرار داشت، به ویژه پس از خروج ایالات متحده از برجام، فرصتی را تشخیص داد. تهران در حالی که چیزی برای از دست دادن باقی مانده بود اما دستاوردهای زیادی داشت، به سرعت خود را به عنوان تامین کننده اصلی تسلیحات روسیه قرار داد و هواپیماهای بدون سرنشین و سایر تسلیحات را تهیه کرد.

حمایت ایران از روسیه صرفاً به دلیل انگیزه های مالی نبود. مهمتر از همه، این منعکس کننده جاه طلبی راهبردی تهران برای تنظیم مجدد پویایی قدرت در روابط

نامتقارن آنها بود. برای چندین دهه، روسیه شرایط را دیکته کرده بود و از برتری اقتصادی و نظامی خود استفاده می کرد. ایران با تأمین دارایی های نظامی حیاتی مسکو به دنبال دستیابی به اهرم فشار و تثبیت خود به عنوان یک شریک ضروری بود. این استراتژی شروع به نتیجه داد، روسیه ماهواره نظامی خیم ایران را به فضا پرتاب کرد که نشان دهنده همکاری عمیق تر فناوری بود. با این حال، نفوذ جدید ایران محدودیت های روشنی داشت. روسیه به توقف هواپیماهای پیشرفته ادامه داد و در طول رویارویی ایران با اسرائیل در آوریل و اکتبر 2024، مسکو از ارائه حمایت معنادار از تهران خودداری کرد. این امر بر محدودیت های مشارکت و همکاری آنها تأکید کرد.

با این حال، نفوذ جدید ایران محدودیت های روشنی داشت. روسیه به توقف هواپیماهای پیشرفته ادامه داد و در طول رویارویی ایران با اسرائیل در آوریل و اکتبر 2024، مسکو از ارائه حمایت معنادار از تهران خودداری کرد. این امر بر محدودیت های شراکت آنها تأکید می کند، در حالی که همکاری در حالی که همکاری عمیق تر شده بود، توسط منافع رقابتی و عدم تقارن قدرت زیربنایی شکل می گرفت.

با این وجود، واضح است که روابط روسیه و ایران با جنگ در اوکراین و تلاش های متقابل آنها برای حفظ رژیم اسد در سوریه شکل گرفته است. حال این سوال مطرح می شود که در غیاب اسد و با افزایش احتمال آتش بس یا توافق صلح در اوکراین، تکلیف این رابطه چه خواهد شد؟

فروپاشی رژیم اسد خلاء فزاینده ای را در روابط روسیه و ایران ایجاد کرده است. اول، تلاش نظامی مشترک اولیه آنها، همکاری در سوریه، به پایان رسیده است. دوم، بدون درک تهدید مشترک در سوریه، میزان همپوشانی منافع آنها در خاور میانه کاهش یافته است. از نظر تاریخی، ایران و روسیه اختلافات مهمی داشتند، به ویژه بر سر خصومت ایران با اسرائیل و روابطش با کشورهای عرب خلیج فارس.

علاوه بر این، پایان جنگ در اوکراین اهرم موقت ایران بر روسیه را از بین خواهد برد. بدون جنگ، اهمیت استراتژیک ایران برای مسکو کاهش خواهد یافت. به بیان ساده، زمانی که روسیه دیگر به هواپیماهای بدون سرنشین و حمایت نظامی ایران نیاز نداشته باشد، تهران چیز کمی برای برآوردن نیازهای فوری روسیه ارائه خواهد کرد. این تغییر عدم تقارن را در روابط آنها باز می گرداند و روسیه را بار دیگر در موقعیت مسلط قرار می دهد.

علاوه بر این، به احتمال زیاد روسیه، در تلاش برای تضمین آتش بس یا توافق صلح مطلوب در اوکراین و بازسازی روابط با ایالات متحده، به دنبال کاهش تنش در سایر زمینه های مناقشه با واشنگتن باشد. در این میان، به نظر می رسد ایران برای مسکو قابل

مصرف ترین باشد. با رفتن اسد و پایان جنگ اوکراین، روسیه دلایل استراتژیک کمتری برای حفظ روابط نزدیک با تهران خواهد داشت و ایران را به یک نامزد محتمل برای کناره گیری دیپلماتیک تبدیل می کند.

روسیه علاوه بر پیگیری تنش زدایی با ایالات متحده، انگیزه های دیگری برای فاصله گرفتن از ایران در دوران پس از اسد و پس از جنگ اوکراین خواهد داشت. یکی از عوامل کلیدی رابطه آن با اسرائیل است، شراکتی که مسکو به طور مداوم به دنبال حفظ و گسترش آن بوده است.

عامل مهم دیگر تغییر چشم انداز ژئوپلیتیکی در خلیج فارس است. از آنجایی که دولت پرزیدنت ترامپ کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران را احیا می کند، این احتمال وجود دارد که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی، بیشتر با ایالات متحده علیه تهران متحد شوند یا حداقل برای انجام این کار تحت فشار قرار گیرند. در این زمینه، فاصله گرفتن از ایران به روسیه کمک می کند تا روابط خود را با کشورهای عربی حفظ کند بدون اینکه شرکای کلیدی منطقه ای را از خود دور کند.

این تغییر می تواند چالش بزرگی برای ایران باشد. از آنجایی که پرزیدنت ترامپ کمپین فشار حداکثری را از سر می گیرد، تهران برای جلوگیری از قطعنامه ها و وتوی تحریم ها نیاز فوری به حمایت دیپلماتیک روسیه در سازمان ملل دارد. علاوه بر این، ایران برای بازسازی توانمندی های دفاع هوایی خود که به شدت تضعیف شده است، به حمایت نظامی روسیه متکی خواهد بود. حملات اسرائیل به سامانه های اس-300 ایران تاکنون چهار باتری از پنج باتری را منهدم کرده است و تهران را به سیستم های راداری جدید، فناوری هشدار اولیه، سکوی های پدافند هوایی و هواپیما نیاز اساسی می دهد.

علاوه بر این، با توجه به اینکه مسکو تاکنون موفق شده است برخی از نیروهای خود را در آنجا مستقر نگه دارد، احتمالاً ایران حداقل تا حدی به روسیه برای کمک به حفظ نفوذ خود در سوریه نگاه خواهد کرد. با این حال، آینده همچنان نامشخص است و این عوامل تهران را تحت فشار قابل توجهی قرار می دهد.

با این اوصاف، پایان جنگ در اوکراین نیز می تواند مزایای خاصی برای ایران داشته باشد. اگر درگیری پایان یابد و تحریم های آمریکا علیه روسیه برداشته شود، مسکو دوباره به بخش قابل توجهی از بازار جهانی انرژی دسترسی پیدا خواهد کرد. این امر فشار اقتصادی بر روسیه را کاهش می دهد و نیاز این کشور به فروش نفت با تخفیف شدید به بازارهای آسیایی، به ویژه به هند و چین را کاهش می دهد، جایی که روسیه مستقیماً با ایران رقابت کرده است. در نتیجه، تهران به طور بالقوه می تواند بخشی از سهم بازار از دست رفته خود را پس بگیرد. با این حال، با توجه به احتمال زیاد واکنش برای اعمال

موج دیگری از تحریم ها علیه ایران، تهران همچنان ممکن است مجبور شود برای حفظ صادرات انرژی خود قیمت های تخفیفی ارائه دهد.

در نهایت، همانطور که جنگ داخلی سوریه و جنگ در اوکراین روابط روسیه و ایران را تقویت کرد، حل آنها چالش های جدیدی را برای مشارکت ایجاد می کند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

رمان محمودیان دکتر آرمان محمودیان، پژوهشگر موسسه امنیت جهانی و تحقیقات او در درجه ملی و مدرس حرفه ای در دانشگاه فلوریدا جنوبی اس اول بر روی امور خاورمیانه و روسیه متمرکز است

----- **با تقدیم احترامات (01-03-2025)**